

## آموزش محیط‌زیستی در سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی (\*ENGOها) بستر ساز توسعه سرمایه‌های اجتماعی

امیرعلی برومند<sup>۱</sup>، فاطمه طباطبائی یزدی<sup>۲\*</sup>

<sup>۱</sup> دانشجو کارشناسی علوم و مهندسی محیط‌زیست، گروه محیط‌زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط‌زیست، دانشگاه فردوسی مشهد

*Amirali.boroumand@mail.um.ac.ir*

<sup>۲</sup> استادیار گروه محیط‌زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط‌زیست، دانشگاه فردوسی مشهد

*f.tabatabaei@um.ac.ir*

\*نویسنده مسئول

### چکیده

اهمیت دادن به تاثیر آموزش در پایداری محیط‌زیستی سال‌ها است که در جوامع توسعه‌یافته از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با این وجود، در کشور ما باوری جدی به توانمندی آموزش در راستای اهداف محیط‌زیستی وجود ندارد و این خلاء بسیار مشهود است. در پژوهش حاضر به طور خاص به نقش سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی بر پایه‌ی اصول مشارکت‌های مردمی و بهره‌گیری از توان افراد داوطلب در آموزش محیط‌زیست و تنویر افکار عمومی پرداخته شده است. دست‌آوردهای تقویت این نهادهای مدنی علاوه بر رشد و شکوفایی استعدادهای افراد، کمک به دولت‌ها در مدیریت بحران‌ها و مشکلات محیط‌زیستی و گسترش شبکه‌های ارتباطی و تعاملات سازنده‌ی بین فردی و بین گروهی در راستای هم‌افزایی حداکثری است.

### کلمات کلیدی

آموزش محیط‌زیست، سرمایه اجتماعی، توسعه پایدار، توسعه سرمایه اجتماعی، رفتار محیط‌زیستی.

### ۱- مقدمه

انسان موجودی مدنی است و روابط اجتماعی انسان فی‌نفسه دارای ارزش حیاتی برای او می‌باشند و عاملی برای دستیابی به سایر دستاوردهای بشری بوده‌اند. ایجاد و تقویت نهادهایی همچون انجمن‌ها، گروه‌های مدنی و سازمان‌های محلی برای تقویت شبکه‌های ارتباطی و ارتقا سرمایه‌های اجتماعی مفیدند. شبکه‌های اجتماعی جهت تسهیل دستیابی اعضا به منافعشان تشکیل می‌شوند و از این روی می‌توان فلسفه‌ی وجودی سرمایه‌های اجتماعی را اشتراک‌گذاری منابع میان اعضا در قالب قوانین و چارچوب‌ها در جهت دستیابی حداکثری همه‌ی افراد به منافع بیان داشت (انصاری، ۱۳۹۲؛ بنائی و همکاران، ۱۳۹۷). دولت‌ها با حمایت از این نهادهای مدنی گام موثری در جهت ایجاد نیروی پیشران و موثر چه در بعد نظارت جمعی و چه در عرصه‌های اجرایی بر خواهند برداشت؛ که بستر ساز تحقق توسعه در زمینه سرمایه‌های اجتماعی و نهایتاً توسعه پایدار می‌گردد.

## ۲- سرمایه اجتماعی

از منظر اقتصاددانان سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان سومین حلقه از حلقه‌های تکاملی سرمایه پس از سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی به عنوان عامل توسعه در نظر گرفته می‌شود (بخشی و همکاران، ۱۳۹۶). باتوجه به تعاریف ارائه شده از سوی دانشمندان، سرمایه اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از شبکه‌های روابط و پیوندهای اجتماعی مبتنی بر اعتماد بین فردی و بین گروهی در جهت نیل به اهداف فردی و گروهی دانست (عقبلی و همکاران، ۱۳۸۸). بانک جهانی، سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای تعریف می‌کند که حاصل اثرگذاری نهادهای اجتماعی و روابط انسانی و هنجارها بر کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است (حمیدی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷). اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، امنیت اجتماعی و مشارکت اجتماعی مهم‌ترین مولفه‌های سرمایه‌های اجتماعی هستند که از آن‌ها گاه به "ارزش‌های اجتماعی" یاد می‌شود (بخشی و همکاران، ۱۳۹۶). سرمایه‌های اجتماعی را می‌توان همچنین به دو دسته‌ی مدنی و حکومتی تقسیم‌بندی کرد. استمرار شبکه‌های اجتماعی در هر دو دسته را می‌توان در گرو استمرار "اعتماد بین افراد باهم" و "اعتماد افراد و نهاد حکومت" دانست (بنائی و همکاران، ۱۳۹۷).

### ۲-۱ روش‌های ارتقا سرمایه‌های اجتماعی

از میان روش‌های متعدد ایجاد و ارتقا سرمایه‌های اجتماعی، برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار و همچنین حفاظت محیط‌زیست می‌توان به "درونی‌سازی فردی قواعد و هنجارها و انتظارات متقابل"، "جامعه‌پذیری افراد باتوجه ویژه به نسل‌های نو"، "ایجاد و توسعه گروه‌ها و انجمن‌ها"، "توجه به نهاد خانواده"، "همکاری اجتماعی اجباری"، "کمک گرفتن از مجریان محلی و پیمانکاران بومی" و "تعاملات یادگیری" اشاره کرد. اثر تعاملات یادگیری چنان عمیق و فراگیر است، که به نظر می‌رسد این مورد خود به تنهایی دستیابی به دیگر روش‌ها را تسهیل و عملی‌تر می‌کند. آموزش محیط‌زیست را می‌توان ذیل تعاملات یادگیری دسته‌بندی نمود، که در ادامه به آن بیشتر خواهیم پرداخت. لازم به ذکر است تقویت سرمایه‌های اجتماعی در جوامعی که اقتصاد زایا و کارآمد دارند و بابرنامه ریزی مدون به طور مستمر از سرمایه‌های اجتماعی بهره می‌برند، برنامه‌ها و راهکارهای ارتقا سرمایه‌های اجتماعی موثرتر واقع می‌شوند (بنائی و همکاران، ۱۳۹۷).

### ۲-۲ اهمیت تعاملات یادگیری در ارتقاء فرهنگی و اخلاق محیط‌زیستی

فرهنگ در فرایند اجتماعی شدن آموخته می‌شود و با کمک به هم‌گرایی و تفاهم گروهی، زندگی را برای مردم جامعه تسهیل می‌کند. فرهنگ‌پروری، فرایندی زمان‌بر و پیچیده است که حاصل سال‌های سال کنش‌های اجتماعی افراد یک جامعه است. تحول و تکامل برای هر جامعه مهم و ضروری است و باعث زایش و رویش فرهنگی اجتماعی می‌گردد (صالحی امیری، ۱۳۹۵). آیین‌ها و روش‌های زندگی نمی‌توانند برای مدت طولانی در یک جامعه به حیات خود ادامه دهند مگر آنکه با شیب ملایم تغییرات جامعه همسو شوند و با توجه به نیازهای روز جامعه به‌روز شوند. آموزش همان فرایندی است که ضمن انتقال مفاهیم عمیق فرهنگی و میراث علمی، بستر این نوآوری‌ها و رویش‌های فرهنگی که عامل اصلی توسعه‌ی فرهنگی هستند را فراهم می‌آورد. برای دستیابی به توسعه پایدار، آموزش رکنی اساسی است و آن‌گاه به نتایج مطلوب منجر می‌شود که به ایجاد دغدغه‌های محیط‌زیستی و تقویت اخلاق محیط‌زیستی در فرد منتج شود. محیط‌زیست بستر توسعه پایدار است و حفاظت از آن در بستر فرهنگی محقق می‌شود. یکی از راهکارهای اساسی برای نهادینه کردن اهمیت محیط‌زیست و شناساندن مخاطرات وارده به آن، فرهنگ‌پروری است. اهمیت دادن به تاثیر آموزش در جوامع توسعه‌یافته سال‌ها است که از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با این وجود، در کشور ما باوری جدی به توانمندی آموزش در راستای اهداف زیست‌محیطی وجود ندارد و این خلاء بسیار مشهود است (کیوانفر و همکاران، ۱۳۹۵). هدف از آموزش محیط‌زیست، یافتن مناسب‌ترین و بهترین نظام و شیوه‌ارایه مطالب و نحوه فعالیت‌ها و اجرای ساختاری است که زمینه ساز ارتقا آگاهی‌های محیط‌زیستی در سطح جامعه می‌باشد تا از این طریق هر فرد جامعه، به طبیعت احترام بگذارد و درقبال حفاظت و حمایت از محیط‌زیست، خود را مسئول بداند (برومند

و طباطبایی یزدی، ۱۳۹۸؛ محرم نژاد و همکاران، ۱۳۸۷) و حساسیتشان نسبت به حوادث و تغییرات همه جانبه‌ی محیط زیست و تغییرات کمی و کیفی آن افزایش یابد. ارتقا آگاهی افراد باید منجر افزایش دغدغه‌مندی آنها و نهایتاً کنشگری آنان گردد. همان گونه که یونسکو در سال ۱۹۸۷ اعلام کرد، هیچ اقدامی در طولانی مدت در زمینه کاهش تهدیدات محلی و بین المللی محیط زیست روی نخواهد داد مگر آنکه میزان آگاهی‌های مردم درباره‌ی روابط تنگاتنگ کیفیت زندگی بشر و محیط زیست ارتقا یابد. این موضوع خود بیانگر اهمیت آموزش‌های محیط زیست است (ذوالفقاری، ۱۳۹۱). اساسی‌ترین مفاهیم مورد نظر در آموزش محیط زیست، "احترام به طبیعت و اشکال مختلف حیات"، "احترام به اشکال حیات غیر از انسان" به معنای اتخاذ دیدگاهی زیست بوم محور و نه انسان محور (ملکیان و همایی، ۱۳۹۱)، "تعهد به کاهش ردپای اکولوژیک" و "فاصله گرفتن از سبک زندگی مصرف‌گرایی" است (کهیل، ۱۳۹۳). رویکردهای آموزش در مورد محیط زیست، آموزش در محیط زیست و آموزش برای محیط زیست باید همزمان صورت بپذیرد تا اثربخشی آموزش‌های محیط زیستی به حداکثر خود برسد (Jia-nan, C. 2012).

### ۳- رویکرد مشارکتی و سازمان‌های مردم نهاد

وجود و تنوع سازمان‌های غیر دولتی نشانگر بلوغ اجتماعی و سیاسی جامعه مدنی است و امروزه یکی از نقش‌های این سازمان‌های غیردولتی، تلاش آن‌ها در جلب مشارکت‌های مردمی در امر حفاظت محیط زیست می‌باشد. کنفرانس جهانی فائو در سال ۱۹۷۹ در رم، مشارکت را فرآیندی در جهت خودآموزی اجتماعی و مدنی با هدف برقرار مناسبات نوین انسانی و اجتماعی در جهت رشد فرد و جامعه تعریف کرد و آن را به عنوان "حق اساسی بشر" و لازمه تحقق دموکراسی معرفی نمود. کارکردهای فراوان مشارکت‌های مردمی از جمله "تبدیل تعارضات و ستیزه‌های بین فردی به تعاون و همکاری"، "فرصتی برای بیان نقطه‌نظرات تمام ذی نفعان"، "ایجاد حس مسئولیت‌پذیری نسبت به تصمیمات گروهی اخذ شده و تعهد به پذیرش عواقب و نتایج آن‌ها"، "ایجاد همگرایی و اتحاد"، "ایجاد فضای گفت‌وگو"، "افزایش نیرو و سرمایه‌های انسانی"، "افزایش بهره‌وری و کاهش نقاط ضعف پروژه‌ها" باعث شده‌است تا مشارکت به کلید دستیابی به اهداف توسعه پایدار تبدیل شود (سعیدی، ۱۳۸۲). بعد از تصویب دستورکار ۲۱ و در دستورکار قرار گرفتن مشارکت‌های مردمی در جهت تحقق سیاست‌های توسعه پایدار، توجه‌ها به این رویکرد جدی‌تر شد تا جایی که امروزه بسیاری از تصمیمات حوزه‌های مختلف اجتماع بدون مشورت با این نهادها اتخاذ نمی‌شود و این رویکرد باعث جلب حداکثری رضایت مردم و کاهش هزینه‌ها شده‌است (کمالی، ۱۳۹۱). در همکاری گروهی نوعی گرایش به وفای به عهد، احترام به تعهد و عمل وفادارانه با انگیزه اخلاقی وجود دارد. افراد اگر عملکرد خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که حداکثر منافع گروهی برآورده شود، بسیاری از منافع شخصی‌شان نیز در درازمدت افزایش یافته و تامین می‌شود (بنسون، ۱۳۹۳).

### ۴- سمن‌های محیط زیستی، یک سرمایه بالقوه اجتماعی

اندیشه‌های طرفدار حفاظت محیط زیست و حراست از منابع طبیعی در دهه ۱۹۷۰ در واکنش به بحران‌های طبیعت و هشدارهای پیاپی کارشناسان به مردم، شکل گرفت. با آغاز صنعتی شدن و شهرنشینی گسترده، اثرات مخرب توسعه نامتوازن به تدریج بر مردم جهان آشکار شد و این خود تلنگری برای شروع این جنبش‌ها بود. گروه‌های فشارسبز جدید همچون صلح سبز و دوستان زمین در مقابل فعالیت‌های صنعتی گسترده و تخریب‌های صورت گرفته در آن‌ها شکل گرفتند. در اواخر دهه ۱۹۷۰ حزب سبز در آلمان از اتحاد بین فعالان ضد نیروی هسته‌ای و جنبش ضد سلاح هسته‌ای و جنبش زنان تشکیل شد (کهیل، ۱۳۹۳). آن‌ها مسئولیت‌های انسان را برای ممانعت از آسیب، حفاظت و پیشبرد روابط سازنده با زیست بوم بشر را ضروری می‌پنداشتند و در راه نهادینه‌سازی این کنشگری‌ها می‌کوشیدند (بنسون، ۱۳۹۳). این حرکت‌های خودجوش و تلاش‌ها اجتماعی و مدنی افراد منجر به تحولات و بهبود شرایط محیط زیستی در کنار انباشت سرمایه‌های اجتماعی گشته و تا امروز از بسیاری از فجایع قریب‌الوقوع بشری پیشگیری کرده و بسیاری از مردم را نسبت به مسائل محیط زیستی آگاه ساخته‌است. دوستداران و دغدغه‌مندان محیط زیست با تشکیل شبکه‌های غیررسمی همچون انجمن‌ها، گروه‌های مدنی، سازمان‌های محلی با اهداف ترویجی، آموزشی و فرهنگی در راستای حفاظت محیط زیست باعث تقویت شبکه‌های ارتباطی و ارتقا موثر سرمایه‌های اجتماعی می‌شوند.

سازمان‌های غیردولتی نهادهای متمایزی با مهارت و منابع مهم برای استقرار در روند همکاری‌های بین المللی محیط زیستی هستند. مواضع این سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی (ENGO) در مواردی باعث تغییر سیاست‌های محیط زیستی دولت‌ها هم بوده‌اند؛ هرچند تمام تلاش‌ها در این عرصه در کوتاه مدت- اثربخش نبوده اند اما مطمئناً در دراز مدت تاثیرات غیرقابل انکاری بر جای گذاشته‌اند (Zeng, 2019). مشارکت فعال



سازمان‌های غیردولتی توانایی دولت‌ها برای بهبود شرایط جهانی را افزایش می‌دهد. شواهد اخیر از صندوق بازسازی محیط‌زیست بانک جهانی مایه این ادعاست. این که سازمان‌های غیردولتی در نهادهای بین‌المللی محیط‌زیست گسترده تر شوند، نشان‌دهنده گسترش و نه عقب نشینی دولت‌ها در پرداختن به مشکلات زیست محیطی جهانی است؛ زیرا بقای این نهادها تنها با مجوز و حمایت‌های دولتی امکان‌پذیر خواهد بود (Raustiala, K., 1997). سازمان‌های غیردولتی نه تنها می‌توانند در عرصه‌های اجرایی و عملیاتی در رفع مشکلات محیط‌زیستی مددکار دولت‌ها و ملت‌ها باشند بلکه در ارزیابی میزان توفیق در دستیابی به اهداف پروژه‌ها نیز می‌توانند شفاف و بی‌طرف همه ذی‌نفعان را مطلع‌سازند (Hardi, P., 1997). نهادهای تصمیم‌ساز و سیاست‌گزار در کشور می‌توانند با تقویت بنیان‌های سمن‌های محیط‌زیستی در کنار حفاظت و حراست از منابع طبیعی و محیط‌زیست به رشد اجتماعی و انباشت سرمایه‌های اجتماعی کمک کنند. این رویکرد همان باور به اثربخشی مشارکت‌های مردمی در حوزه حفاظت از محیط‌زیست است (مسعودی زاده و همکاران، ۱۳۹۵).

## ۵- نتیجه

در جوامع کنونی که گرفتار "فضیلت اخلاقی پایین" و نگاه "صرفاً انسان محور" اند و افراد دچار "بی‌تفاوتی اجتماعی" گشته‌اند، نیاز به حضور و نقش‌آفرینی اجتماعی در صحنه اجتماع بیشتر احساس می‌شود (زارعی متین و همکاران، ۱۳۹۶). همان‌طور که بانک جهانی در تعریف سازمان‌های غیردولتی آن‌ها را تشکلهایی خصوصی و داوطلب می‌نامد که غالباً در راستای فقرزدایی، حفاظت محیط‌زیست و تامین خدمات اجتماعی اساسی فعالیت می‌کند (لاهیجانیان، ۱۳۹۸)، نقش ظرفیت‌ساز انجمن‌های مردم نهاد محیط‌زیستی هم می‌تواند باعث همکاری مستقیم و نقش‌آفرینی بی‌واسطه مردم در حفاظت محیط‌زیست گردد و هم می‌تواند موجب مطالبه‌گری و نظارت آنان بر کیفیت حفاظت از طبیعت گردد (Rodela et al., 2016). لازم به ذکر است هم‌افزایی اجتماعی برای کاهش تضادها و پویای گروهی در جهت دستیابی به اهداف محیط‌زیستی دستاوردی بسیار فراتر از آورده‌ها و صرفه‌جویی‌های مالی است که در این بسترها فراهم می‌گردد (Joensuu, 2014). در حقیقت آموزش‌های محیط‌زیستی و آگاه‌سازی افکارعمومی را می‌توان ارزشمندترین عملکرد این سازمان‌ها دانست که با هدف نهادینه‌کردن اخلاق محیط‌زیستی و ایجاد هنجارهای اخلاقی در مردم، آن‌ها را نسبت‌الگوهای مخرب محیط‌زیست و ناقض حقوق بشر مطلع می‌سازند (Hancock, J., 2019). سمن‌های محیط‌زیستی به عنوان یک سرمایه اجتماعی بالقوه؛ با حمایت دولت‌ها و عضویت و فعالیت مداوم مردم و نخبگان، به سرمایه‌های اجتماعی بالفعل تبدیل می‌شوند و در حفاظت از محیط‌زیست و پایداری منابع طبیعی نقش حقیقی خود را ایفا می‌کنند (Hardi, P., 1997).

## مراجع

- انصاری، شهره. (۱۳۹۲). زنان و محیط‌زیست: از اسطوره‌های دیروز تا گام‌های امروز «تشکل‌های مردم‌نهاد، فعالان مستقل، وبسایت‌ها و وبلاگ‌ها، همایش‌ها پژوهش‌نامه زنان». ۴(۸). ۲۳-۳۵.
- بنائی، امیرحسین، زارعی متین، حسن، مزینانی شریعتی، سارا. (۱۳۹۸). نگاهی نظام‌مند به مفهوم سرمایه اجتماعی: چرایی، چگونگی، مدیریت سرمایه اجتماعی. ۱(۶). ۵۹-۸۴.
- بنسون، جان. (۱۳۹۳). اخلاق محیط‌زیست، مقدمات و مقالات. انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد. وهاب‌زاده، عبدالحسین. ۳۳۶.
- بخشی، محمدرضا، پیرداده بیرانوند، کبری، فلکی، ملیحه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با رفتارهای محیط‌زیستی دانشجویان دانشگاه بیرجند. مدیریت سرمایه اجتماعی. ۴(۳). ۴۷۳-۴۵۱.
- برومند، امیرعلی، طباطبائی یزدی، فاطمه. (۱۳۹۸). جایگاه آموزش محیط‌زیستی در فرهنگ دانشگاهی. مجموعه مقالات دومین همایش ملی فرهنگ دانشگاهی. انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. (۲). ۱۰۴۰-۱۰۳۱.
- حمیدی‌زاده، علی، ظفری، هادی، بابایی گواری، سلمان. (۱۳۹۸). سرمایه اجتماعی از منظر قرآن؛ مؤلفه‌ها، عوامل، راهبردها. مدیریت سرمایه اجتماعی. (۲). ۱۶۸-۱۴۹.
- رحمت الهی، حسین، آقامحمدآقایی، احسان، بالوی، مهدی. (۱۳۹۵). کاهش سرمایه اجتماعی، دولت و مشارکت مردم. مدیریت سرمایه اجتماعی. (۳). ۴۳۵-۴۶۱.
- زارعی متین، حسن، شمسی، فاطمه، ادیب‌زاده، مرضیه. (۱۳۹۶). سرمایه اخلاقی مولد سرمایه اجتماعی. مدیریت سرمایه اجتماعی. (۱). ۴۴-۲۷.
- سعیدی، محمدرضا. (۱۳۸۲). درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیر دولتی. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها. ۲۱۴.

عربی، فائزه، حجازی، یوسف. (۱۳۸۵). نگاه سازمان‌های غیردولتی در مشارکت فعالیت‌های زیست محیطی. همایش ملی دوسالانه انجمن متخصصان محیط زیست ایران. دوره ۶.

ملکیان، منصوره، هماهی، محمودرضا. (۱۳۹۱). مبانی زیست‌شناسی حفاظت. انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد. ۳۰۴.

کمالی، یحیی. (۱۳۹۱). نهادینه سازی توسعه پایدار. جهاد دانشگاهی تهران. ۲۱۶.

کهییل، مایکل. (۱۳۹۳). محیط‌زیست و سیاست اجتماعی. انتشارات دانشگاه تهران. حاتمی‌نژاد، حسین؛ امیریان، سهراب. ۱۹۶.

کیوانفر، نسرین، رضایی، رضا، لاری، زهرا. (۱۳۹۵). نقش آموزش و فرهنگ سازی در تاب آوری زیست محیطی: چرا و چگونه. همایش ملی تاب آوری محیط‌زیستی شهرهای ایران. ۷.

مسعودی زاده، فاطمه، رضوانفر، احمد، موحدمحمدی، حمید. (۱۳۹۵). نقش مولفه‌های سرمایه اجتماعی در عملکرد تشکلهای غیردولتی زیست محیطی (مورد مطالعه: استان خوزستان). فصلنامه علمی - پژوهشی آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار. ۴(۴). ۳۳-۴۰.

لاهیجانیان، اکرم الملوک. (۱۳۹۸). آموزش مشارکت‌های مردمی در مدیریت محیط‌زیست (ج ۱). انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. ۳۲۴.

- Costanza, R., & Daly, H. E. (1992). Natural capital and sustainable development. *Conservation biology*, 6(1), 37-46.
- Hardi, P. (1997). *Assessing sustainable development: principles in practice* (p. 175). Winnipeg: International Institute for Sustainable Development.
- Hancock, J. (2019). *Environmental human rights: Power, ethics and law*. Routledge.
- Jia-nan, C. (2012). Contributions of environmental NGO to environmental education in China. *IERI Procedia*, 2, 901-906.
- Joensuu, K., Koskela, M., & Onkila, T. (2015). Social proximity and environmental NGO relationships in corporate sustainability reports. *Sustainable Development*, 23(1), 26-40.
- Raustiala, K. (1997). States, NGOs, and international environmental institutions. *International Studies Quarterly*, 41(4), 719-740.
- Rodela, R., Udovč, A., & Boström, M. (2017). Developing environmental NGO power for domestic battles in a multilevel context: Lessons from a Slovenian case. *Environmental Policy and Governance*, 27(3), 244-255.
- Zeng, F., Dai, J., & Javed, J. (2019). Frame alignment and environmental advocacy: the influence of NGO strategies on policy outcomes in China. *Environmental Politics*, 28(4), 747-770.